

فهرست

| | |
|-----|---|
| ۵ | □ مقدمه |
| ۱۷ | تکریم انسان: تضمین حقوق بشر |
| ۳۱ | حقوق بشر و مسأله نسبیّت‌گرایی فرهنگی |
| ۴۵ | جان راولز و مسأله حقوق بشر در روابط بین‌الملل |
| ۶۷ | مبانی اخلاقی حق دخالت بشردوستانه |
| ۹۵ | گفت‌وگویی درباره حق دخالت بشردوستانه |
| ۱۱۱ | اصل امداد در روابط بین‌الملل |
| ۱۱۹ | حق در مقام اثبات، حق در مقام احقاق |
| ۱۲۵ | آیا نان و امنیت بر آزادی مقدم است؟ |
| ۱۴۱ | لیبرالیسم: فردگرایی یا خویشتن‌مداری؟ |
| ۱۵۱ | ملاحظات اخلاقی درباره سلاح‌های هسته‌ای |
| ۱۸۰ | □ نمایه |

مقدمه

(۱)

نظام اخلاقی همچون نظام حقوقی تا حدّ زیادی از تحولات جهان خارج و نحوه زیست انسان‌ها تأثیر می‌پذیرد. تحولاتی که در ساختار زیست انسان‌ها و نحوه ارتباط میان ایشان در جهان مدرن رخ داده است تجدید نظری بنیادین را در اخلاق سنتی الزام می‌کند. از جمله تحولات مهمی که در جهان جدید رخ داده است نزدیکی بیش از پیش انسان‌های سراسر جهان و وابستگی روزافزون ایشان به یکدیگر است. در جهان امروز، موج تحولات اقتصادی در یک گوشه جهان به فاصله‌ای کوتاه سراسر جهان را درمی‌نوردد و زندگی گروه پرشماری از انسان‌ها را در آن سوی جهان عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. میزان گاز دی‌اکسید کربن که توسط اتومبیل‌ها و کارخانه‌ها در یک گوشه جهان تولید می‌شود می‌تواند سرزمین قومی دیگر را در سوی دیگر جهان به زیر آب فرو برد. جنگی که در دورافتاده‌ترین گوشه جهان رخ می‌دهد همزمان از طریق تصاویر خبری به خانه شمار کثیری از شهروندان عادی در سراسر دنیا راه می‌یابد، و میلیون‌ها نفر فرسنگ‌ها دورتر می‌توانند لحظه به لحظه وقایع آن جنگ را مشاهده و پیگیری کنند. اینها نمونه‌هایی است از پدیده آشنای «جهانی شدن» (Globalization). پدیده جهانی شدن اقتضات اخلاقی تازه‌ای را به همراه آورده است، و در رویارویی با این تحولات نوین، اخلاق سنتی لاجرم باید چندان بسط و تحوّل یابد که به نیازهای تازه انسان‌ها پاسخ مناسب دهد و به

ایشان شرایط اخلاقی زیستن را در این جهان تازه بیاموزد. در واقع تولد «اخلاق جهانی شدن» (Global Ethics) را باید بسط اخلاق سنتی و پاسخی به این نیاز روزافزون تلقی کرد. وظیفه «اخلاق جهانی شدن» آن است که مسؤولیت‌های اخلاقی افراد، حکومت‌ها، و سایر نهادهای ملی و بین‌المللی را در خصوص موضوعاتی که ابعاد جهانی دارد مورد بررسی قرار دهد.

از جمله مسائلی که پدیده جهانی شدن در برابر اخلاق سنتی نهاده است و «اخلاق جهانی شدن» لاجرم باید به آن پردازد مسأله حقوق بشر است. برجسته شدن مقوله حقوق بشر را در عرصه روابط بین‌الملل تا حدی می‌توان پاسخ جامعه جهانی به حجم هراس‌انگیز خشونت و بربریت در جنگ جهانی دوم دانست. اما عوامل دیگری نیز به اهمیت یافتن مقوله حقوق بشر یاری رسانیده است، برای مثال، پیشرفت و گسترش تکنولوژی ارتباطات به گردش آزاد اطلاعات در جهان جدید کمک شایانی کرده است، و این امر نهایتاً موجب شده است که انسان‌ها در جوامع گوناگون از حقوق اساسی خود آگاهی بیشتری یابند، و نیز موارد نقض حقوق بشر در سطح گسترده‌تری به آگاهی جهانیان برسد و حساسیت و همدلی عمیق‌تری را در سطح جهانی برانگیزد. این آگاهی نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ حقوق بشر داشته است. تکنولوژی رسانه‌ای، خصوصاً رسانه‌های تصویری، به انسان معاصر کمک می‌کند تا دریابد که انسان‌ها به رغم تفاوت‌های چشمگیری که در نژاد، رنگ پوست، مذهب، آداب و رسوم، عقاید، و جنسیت دارند، از بسیاری جهات شبیه یکدیگرند. در غالب موارد، وقتی که انسان رنج انسان دیگر را به چشم می‌بیند، قوه تخیلش او را در موقعیت فرد قربانی قرار می‌دهد، و این هم‌ذات‌پنداری حس همدردی وی را بیدار می‌کند. این احساس همدلی و شفقت از جمله مهمترین مبانی (عملی) حقوق بشر و نیز از مهمترین عوامل گسترش فرهنگ حقوق بشر در جهان معاصر بوده است.

حقوق بشر از جمله حقوق تکلیف‌آور است و ساختار آن مانند سایر مصادیق حقوق تکلیف‌آور از سه جزء اصلی تشکیل شده است: (۱) فرد صاحب حق، (۲) فرد صاحب تکلیف، (۳) امری که حق به آن تعلق می‌گیرد. در این رابطه فرد صاحب تکلیف در برابر فرد صاحب حق مکلف است، و فرد